



سعید برآبادی

نگاهی که امروز به مساله وایبر می‌شود، یک‌نگاه استفاده‌گراست. افراد رایگان بودن تماس را اصلی‌ترین دلیل استفاده از وایبر می‌دانند اما حالا وایبر به محل اصلی شایعه‌پراکنی، احوالپرسی‌های فامیلی و زندگی تازه‌ای بدل شده که محلل جابه جایی میلیون‌هاپیام و عکس خانوادگی و خصوصی است. در چنین شرایطی، کاربران میلیونی آن چقدر با این رسانه آشنا هستند و از ویژگی‌های آن اطلاع دارند. دکتر اعظم راوورد، استاد ارتباطات دانشگاه‌تهران معتقد است این رسانه هم درست مانند رسانه‌های دیگر یک پشت‌برده قابل‌توجه دارد که ما اطلاع چندانی از آن نداریم و اگر بخواهیم با عینک بدبینی به آن نگاه کنیم، ممکن است در این پشت‌برده شاهد سوءاستفاده از حجم بالای اطلاعاتی باشیم که رایگان تقدیم به بانک‌های اطلاعاتی می‌کنیم. او در این گفت‌وگوی تلفنی تأکید می‌کند علاوه‌بر اینها، وایبر در به انزواکشیدن سالمندان خانه هم نقش بسزایی ایفا کرده چراکه مخاطبان اصلی این رسانه، عموما جوان‌ترها هستند.

کایبر در نهاد خانواده چه نقشی ایفا می‌کند و این نقش تا چه حد به جایگاه خود به‌عنوان یک رسانه نزدیک شده است؟

این‌روزها همه درگیر گوشی‌های همراه خود هستند به‌خاطر آنکه پای یک‌نرم‌افزار جدید در میان است؛ نرم‌افزاری که پیام‌دادن در آن رایگان است و فرقی ندارد مخاطب شما فرد باشد یا گروه، کنار دست‌تان باشد یا در دورترین نقطه جهان. مهم این است که روی تلفن همراهش، نرم‌افزار وایبر، واتس‌آپ یا مانند اینها را نصب کرده باشد. مدتی است که همین رایگان بودن و پوشش گسترده باعث شده در هر دور همی یا در فضای خانه، اعضای فامیل و اعضای خانواده را ببینیم که پای وایبرهایشان نشست‌اند و حتی برای لحظه‌ای از پیام‌هایی که به‌صورت فردی یا گروهی می‌رسد، غافل نشوند. همین موضوع من را یاد سخن گافمن، نشانه‌شناس برجسته می‌اندازد که معتقد است همه روابط اجتماعی و مناسک مختلف هم پشت‌صحنه دارند و هم روی صحنه.

کایدر ابتدا آنچه که روی صحنه و پیش چشم مخاطب اتفاق می‌افتد را شرح دهید تا در قدم بعدی به پشت صحنه برسیم.

روی صحنه، وایبر، نرم‌افزاری است که به‌سادگی روی تلفن همراه نصب می‌شود و به‌دلیل همان خدماتی که در بالا گفتیم، مرزهای ارتباطی را به صورت رایگان درنور دیده و به همین دلیل تا این میزان مورد استقبال قرار گرفته و افراد هرروز در این شبکه مجازی، اطلاعاتشان را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. استفاده‌کننده این نرم‌افزار جز زمان، هیچ هزینه دیگری برای ورود به گروه‌هایی که در وایبر راه می‌افتد، نخواهد کرد. در کنار این اتفاق، وایبر گسترش‌دهنده ارتباطات بین‌فردی و گروهی است تا جایی که پیشینه رسانه‌ها را هم تا حدودی چهار تحول کرده. از خاطر نمی‌بریم که پیش از آمدن رادیو و پس از آن تلویزیون، مردم دورهمی‌های مختلفی را در قالب‌های مختلف تجربه می‌کردند و ارتباط‌شان رودررو و مستقیم بود و تازه با آمدن رسانه‌های ارتباط‌جمعی بود که این ارتباط به‌صورت غیرمستقیم و به واسطه وسایل ارتباط‌جمعی توده‌ای شد و حالا که وایبر آمده دوره جدیدی از توسعه ارتباطات بین‌فردی با چنین رسانه‌های کوچکی دوباره آغاز شده است.

کایخانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی با وایبر

گفت‌وگو با اعظم راوورد؛ استاد ارتباطات

«وایبر» پدیده‌ای همه‌گیر



چطور مواجه شده است؟

اغلب خانواده‌ها هم از این ظرفیت نهایت استفاده را می‌کنند؛ خصوصا اینکه وایبر امکان تشکیل گروه‌هایی را در دل خود دارد و خانواده‌ها با عضویت در گروه‌های فامیلی و دوستان اطلاعات متفاوتی را از زندگی روزانه همدیگر می‌گیرند و به‌نوعی وایبر به‌وسیله‌ای برای احوالپرسی روزانه آنها بدل شده است. صوف و جریان‌های مختلف نیز از این وسیله همین بهره‌برداری را دارند و عموما به‌خاطر منافع مشترک ارتباط خود را از طریق وایبر برقرار می‌کنند.

کایبه‌نظر می‌رسد وایبر با وجود آنکه دسترسی گسترده‌ای را فراهم کرده، اما عمق کم و محتوای ضعیفی را منتقل می‌کند. این موضوع به ساختار فنی این رسانه برمی‌گردد یا به ضعف کاربرانش؟

اما در این شکل تازه از ارتباط یک چالش مهم هم وجود دارد و آن محدودبودن وایبر به‌دلیل حجم و اندازه پیام‌هاست. شاید در ظاهر این موضوع مهم نباشد، اما همین مساله باعث می‌شود پیام‌های وایبری عمق و جدیت لازم را نداشته باشد و به‌وسیله‌ای برای سرگرمی بدل شوند. ویژگی متون وایبری این است که در نگاه اول مخاطب را جذب می‌کند چراکه از ابزارهایی چون غافلگیری، ابهام، ایجاز و طنز بهره کافی می‌برد، اما پایدار نیست و عمقی ندارد. وقتی که یک پیام پایدار نباشد و از عمق لازم برخوردار نبوده، به مخاطب این امکان را می‌دهد که به‌مرور با مسامحه یا متن برخورد کند و کم‌کم یک حالت نسبی‌گرایی فرهنگی در ذهنش پرورش یابد.

کایهرروز در پیام‌های وایبری شاهد مسایل مختلف هستیم؛ گاه حتی شوخی‌ها و دست‌اندازی‌های عجیب. به‌نظر شما این رویکرد را می‌توان مواجهه فرهنگی با مسایل اجتماعی دانست؟ منتها فرهنگی دیگر از نوعی دیگری؟

وایبر به ما کمک می‌کند که در هرساعت از روز با عقاید دیگران یا افکاری که آنها در حجم و اندازه کم به اشتراک می‌گذارند، آشنا شویم و این اتفاق سرگرم‌کننده‌ای است اگر چه باعث نادیده‌گرفته‌شدن نقش ارتباطی این رسانه نمی‌شود. این کارکرد به افزایش نسبی‌گرایی فرهنگی و تحمل و مدارای فرهنگی می‌انجامد چراکه وایبر این امکان را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد که به مجموعه‌ای از متون کوتاه پیردازد که در دل خود تناقض‌های بسیاری دارند. نسبی‌گرایی فرهنگی از همین‌جا در ذهن مخاطب رشد می‌کند و چون از پیش نوعی اعتماد کاذب به این متون به‌وجود آمده، مخاطب در معرض اندیشه‌های

نمی‌تواند بی‌انگیزه و صرفا محض رضای خدا باشد. پس باید پیروسیم کلید وایبر کجا و دست چه افرادی است. پاسخ این است که این کلید دست هرکس و در هرجای دنیا که باشد، او حالا می‌تواند با تحلیل این اطلاعات خلقیات، رفتارها، روحیات، گرایش‌های فرهنگی و انسانی و به‌طورکلی چالش‌های ذهن ما را بشناسد چراکه انبوهی از اطلاعات فردی را به‌دست آورده که حتی در عمیق‌ترین مصاحبه‌ها هم نمی‌توان از افراد کسب کرد.

کایاگر فرض را بر این بگیریم که چنین بانک اطلاعاتی از داده‌های وایبری ما ساخته شده، این همه اطلاعات چطور قرار است مورد استفاده یا حتی سوءاستفاده قرار گیرد؟

این بانک اطلاعاتی فرضی می‌تواند مانند گنجینه‌ای از اطلاعات پایه عمل کند که مبنای انواع کارهای تحقیقاتی برای اهداف مختلف قرار گیرد. حداقل سه‌نوع استفاده تحقیقاتی را می‌توان متصور شد:

اقتصادی؛ با استفاده از اطلاعات به دست‌آمده از طریق وایبر که با اجازه خود ما صورت می‌گیرد، می‌شود به‌طور بالقوه روی ویژگی‌های مختلف فرهنگی، ارزشی ملل مختلف کار کرد. به‌عنوان مثال به‌صورت ویژه می‌توانند روی ایرانی‌ها کار کنند تا دریابند که ما چطور و با چه انگیزش‌هایی برانگیخته می‌شویم تا براساس آن برای ما مثلا محصولات مختلف تولید کنند.

فرهنگی؛ یا با انگیزه تاثیرگذاری فرهنگی فعالیت‌هایی انجام دهند. از این زاویه، کار با وایبر شرایطی را ایجاد کرده که ما بی‌اختیار، «ما فی‌ضمیر» خودمان را در اختیار یک نیروی ناشناخته قرار دهیم. اندیشمندی به نام «جاری» معتقد است برای نفوذ به زیر پوست جامعه در کنار مطالعات مردم‌شناختی، مطالعه فیلم‌های سینمایی که برای مصرف داخلی آن جامعه تولید شده‌اند، بهترین وسیله است. حالا باید به گفته او این‌نکته را هم اضافه کرد مطالعه محتواهایی که از موبایل‌ها به واسطه استفاده از اپلیکیشن‌هایی مانند وایبر در اختیار صاحبان این نرم‌افزارها قرار می‌گیرد، حتی از فیلم‌های سینمایی نیز برای شناخت عمیق جامعه موثرتر است. با استفاده از این شناخت عمیق می‌توان برنامه‌ریزی‌های مختلفی برای تاثیرگذاری فرهنگی بر جامعه طراحی کرد.

جاسوسی؛ اول از همه یادمان نرود که اگر نیت جاسوسی باشد، این کار با اجازه خودمان صورت گرفته و جای اعتراضی نیست زیرا پروتکل یادشده را برای استفاده از وایبر تایید کرده‌ایم. کمترین استفاده از وایبر و اطلاعات به‌دست‌آمده از محتواهای موبایل‌ها از این طریق می‌تواند در امر جاسوسی کمک است ناخواسته ما به‌عنوان یک فرد معمولی ممکن است ناخواسته اطلاعاتی در موبایلمان داشته باشیم که برای سازمان‌های بزرگ جاسوسی قابل استفاده باشد؛ به همان اندازه که شنود تلفن‌های شهروندان معمولی اروپایی توسط سازمان سیا برای جاسوسی مهم بود و این‌همه سروصدا به‌پا کرد، البته این‌بار جاسوفکنندگان وایبر خود اجازه این استفاده را از پیش داده‌اند.

کایبه‌عنوان آخرین سوال، می‌گویند هرسانه یک‌کلید خاموش و روشن دارد، آیا کلید وایبر در دست کاربرانش قرار دارد؟

وایبر یک سوییچ دارد و این سوییچ در دست ما نیست و همین موضوع نگران‌کننده است. به قول میرفردرسکی، «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاست» یعنی هرچه می‌بینیم در لایه‌های زیرین خود مسایل پیچیده‌تری دارد که شاید انگیزه‌های اصلی آن باشند و همین موضوع باعث می‌شود ما حواس‌مان را بیشتر از قبل جلب وایبری کنیم که هرلحظه در روز، مورد استفاده‌مان است.

روزنامه فردا

سایه‌های سپید

ترک «اینترنت» با اعمال شاقه

کمپ ترک اعتیاد، این‌بار نه برای معتادان به موادمخدر بلکه برای معتادان به اینترنت! چندی پیش عکس‌های منتشرشده از چین نشان می‌داد که اعتیاد نوجوانان چینی به اینترنت آنقدر زیاد شده که عدد کمپ‌های ترک اعتیاد در این کشور به ۲۵۰محل رسیده است.

نوجوانان چینی در این کمپ‌ها که توسط نیروهای شبه‌نظامی اداره می‌شود یاد می‌گیرند که زندگی اجتماعی داشته باشند، فعالیت‌های بدنی انجام دهند و علاوه بر یخت‌ووز و مسایل بهداشتی، موزیک و رقص یاد بگیرند، روشی که بیشتر تئیهی به‌نظر می‌رسد تا آموزش.

فرهاد اصلانی، بازیگری که چهره و نام او برای بسیاری آشناست، هنوز با اینترنت از این منظر روبه‌رو نشده است. او به «شرق» می‌گوید: «در خانه ما از اینترنت استفاده معمولی می‌شود که من از آن راضی هستم.» در نظر او استفاده از اینترنت و حتی اعتیاد به آن در جامعه ما بستگی مستقیمی به جنسیت نوجوانان و جوانان حاضر در خانه دارد: «طبیعی

است که در جامعه ما پسرها بیش از دخترها می‌توانند بیرون از خانه حضور داشته باشند و به همین خاطر و به همین نسبت، ارتباط دختران با اینترنت بیش از پسران است.» با این همه فرهاد اصلانی خودش را نسل قدیمی می‌داند که چندان رابطه خوبی با اینترنت و دنیای مجازی ندارد اما این به آن معنی نیست که این محیط‌های رسانه‌ای را نشناسد: «در برخورد با فضاهایی مثل فیس‌بوک و توئیتر، به‌نظم هنوز تکلیف جامعه روشن نیست؛ موافق و مخالف دارد و حتی حضور در این فضاها با تلقی سیاسی همراه است و همین اختلاف‌نظرها باعث شده که جامعه دچار سردرگمی شود و چون مخفیانه در این فضاها حضور پیدا می‌کنند، نمی‌توان عیب و علش را درست تشخیص داد.» بنابر این نظریه است که اصلانی می‌گوید، نمی‌توان به‌طور روشن و آامری، فهمید که آیا در ایران اینترنت و استفاده از آن به یک اعتیاد بدل شده یا نه؛ «حتی اگر قرار باشد دراین‌باره صحبت شود هم کوش شنوایی وجود ندارد چراکه استفاده از اینترنت و خصوصا رفتن به شبکه‌های اجتماعی یک نافرمانی تلقی می‌شود و حتی گاهی جرم است چون بالاخره، پای فیلترشکن در میان است اما با این همه هنوز تکلیف روشنی ندارد.» او تأکید می‌کند اگر درباره استفاده از اینترنت فضای روشنی در اختیار داشته باشیم، می‌شود با مردم وارد دیالوگ شد، خطرات اینترنت را در کنار فواید آن توضیح داد و آنها را مجاب کرد

که سمت‌وسوی درستی بگیرند. اگرچه به‌نظر می‌رسد شیوع اعتیاد به اینترنت در ایران، آن هم با توجه به محدودیت‌های مخابراتی و غیرمخابراتی چندان جدی نباشد اما اکرم نجف‌لو، مشاور ارشد خانواده به «شرق» می‌گوید این پدیده زیرپوستی در حال افزایش است و بعید نیست که به زودی کشور ما هم به چنین کمپ‌هایی نیازمند باشد: «در بیمارستان‌ها عموما بچه‌هایی را می‌بینیم که از مشکلات عصبی رنج می‌برند، تیک دارند و معمولا از ناحیه چشم یا پا، حرکت‌های غیرطبیعی دارند که علت اصلی آن استفاده بیش‌ازحد از اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای و کامپیوتر است.» شاید خیلی تکراری و نه‌نما باشد اما نجف‌لو می‌تواند غالب متخصصان معتقد است: «با وجود این سطح از اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت، بسیاری از خانواده‌ها دلیل تیک‌های عصبی و اختلال‌های به‌وجودآمده در خواب فرزندشان را نمی‌دانند و به‌نظر می‌رسد در این‌مورد فرهنگ‌سازی لازم انجام نشده و شاید به همین خاطر است که نیاز به کلاس‌های مشاوره رایگان به‌شدت احساس می‌شود، خصوصا در مناطقی از شهرها که وضع مالی چندان خوب نیست.»

دانشکده روانشناسی و روانپزشکی دانشگاه تهران، در این باره می‌گوید: «در این کشور ما هم به‌عنوان یک جامعه پویا، نیاز به کلاس‌های مشاوره رایگان به‌شدت احساس می‌شود، خصوصا در مناطقی از شهرها که وضع مالی چندان خوب نیست.»
دانشکده روانشناسی و روانپزشکی دانشگاه تهران، در این باره می‌گوید:
۱۶

شماره ۲۱۷۹ • دوازدهم روزنامه شرق

همین حوالی

دورهم‌نشینی مجازی با شیرینی مخالف‌خوانی

هلیا آبادی

هنگامی که الیزابت تیلور در بستر بیماری شرح حالش را برای طرفدارانش توییت می‌کرد؛ هنگامی که «ظریف» شرح مذاکرات و دیدارهایش را در صفحه شخصی‌اش منتشر می‌کرد، هنگامی که آلن‌ایر - سخنگوی فارسی‌زبان کاخ‌سفید- سوالات خود را درباره اصطلاحات فارسی می‌پرسید یا زمانی که عکس سلفی چندنفر از ستاره‌ها و مجری مراسم اسکار بارها رتوییت شده، همه نشانه‌ای بود از دنیای جدیدی که انسان‌ها خود نقش بیشتری در خلق آن داشتند. فراتر از تمام اندیشه‌ها و نظریه‌های مارشال مک‌لوهان و دنیای ارتباطات، اتفاقی جدید افتاده و ما در آن اسیریم و گاهی نقش کوچکی در آن ایفا می‌کنیم. در کشورمان که جمع رفتارهای متضاد است، دلبستگی به فضای مجازی به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. مروری کوتاه بر نمونه‌های رفتاری کاربران داریم.

فعالیت‌های اجتماعی

فارغ از تمامی این مسایل، شاید بهترین کاربرد در فضای مجازی برای فعالیت‌های اجتماعی باشد. نمونه‌اش را دربراره هراتفاقی که نیازمند کنش اجتماعی است، می‌توان دید؛ حتی گسترش کتابخوانی، یکی از بازی‌های رایج که از زمان ویلاک‌ها به یادگار مانده است، معرفی کتاب تاثیرگذار زندگی بود که توانست بسیاری را به مرور کتاب‌ها وادارد و هم‌رخ داد، زمانی که احمد مسجدجامعی اعلام کرد پنجشنبه آخر هفته کتاب فرصتی برای رفتن به کتابفروشی‌هاست، هرکسی نام آن کتابفروشی‌ای که دوست داشت برود یا می‌خواست برود را اعلام کرد. در فعالیت‌های دیگر مانند چالش آب یخ نیز این اتفاق افتاد و هرکسی از رضا عطاران تا خواننده‌های سرشناس ایرانی آن‌سوی آب، افرادی را به این چالش فراخواندند. یا زمانی که زلزله آذربایجان رخ داد ده‌های از فضای مجازی برای خریداری ملزومات موردنیاز و رفتن و کمک به زلزله‌زدگان یاری طلبیدند. این اتفاق هرچند وقت یک‌بار رخ می‌دهد مثلا این‌روزها اعلام حضور برای رفتن به بیمارستان شریعتی و عضویت در بانک خون بسیار مطرح است. نمونه این اتفاق‌ها نشان می‌دهد علاوه بر واکنش‌های خشونت‌آمیزی که هرازچندگاهی رخ می‌دهد و مانند بار بهاری می‌گذرد، یکی از راه‌های ارتباطات و فعالیت‌های اجتماعی در این روزگار است.

خبرهای درگوشی

مدت‌هاست شکل استفاده از دنیای خبر و دریافت اطلاعات تغییر کرده است. هرکسی به‌سرعت آنچه می‌داند در اختیار دیگران قرار می‌دهد، حالا این می‌تواند دعوی شخصی‌اش یا راننده تاکسی باشد یا او را به مقصد رسانده و کرایه بیشتری دریافت کرده است یا افزایش قیمت نان در نانوائی محل یا اینکه خبرهای درگوشی که جوین‌السائز با تأکید بر همین ویژگی، ویکی‌لیکس را راه‌اندازی و اسرار بسیاری را فاش کرد. مدت‌هاست که دیگر همین فضای مجازی راه ارتباطی و در اختیار قرارگرفتن اطلاعات اطراف است. خبر اجرای نمایشی در کشوری دیگر، با انتشار کتاب یا نشست و هم‌اندیشی با حضور دانش و هیجان‌زدگی مردم مری... و همه نمونه‌هایی است که در این مدت توانسته سطح بسیاری از اخبار باشد و تاکنون مقالات زیادی درباره نحوه استفاده گروه‌هایی همچون داعش از اینگونه فضاها برای ایجاد رعب‌وهراس منتشر و تحلیل شده است.

منفی‌خوان‌ها

یکی از ویژگی‌های فضای مجازی منفی‌خوانی است. اینکه با هررویدویی می‌توان مخالفت کرد، مهم هم نیست که این مخالفت درباره بهره‌ر هتما باشد و فعالیت او در هرزمینه‌ای یا کلیب همایون شجریان و باران کوثری یا عدم‌دریافت نشان شوالیه از سوی حسین علیزاده یا جایزه جلال و کم‌وزیادشدن سکه‌های آن.

کلاس درس

بخشی از متفکران چندان علاقه‌ای به استفاده از این فضا‌های مجازی ندارند اما برخی از مخاطبان چهره‌های مشهور اندیشه یا منتقدان سینمایی یا نویسندگان از این فضا مانند کلاس درس استفاده می‌کنند. اندیشمندان یا چهره‌های شناخته‌شده نکهت‌هایی را منتشر می‌کنند که یا در کلاس‌های دانشگاهی یا در جلسات خصوصی اندیشه‌ای یا میزگردهایی با دیگر دوستان و همفکران خود مطرح کرده‌اند. اما از سوی دیگر مخاطبان و دنبال‌کنندگان صفحات این افراد در این فضای مجازی می‌توانند بدون طی مسافت یا هزینه‌های جانبی از آن مطلع شوند و شاید بهترین راه برای دریافت آخرین اطلاعات فکری و اندیشه‌ای برای علاقه‌مندان باشد. احسان شریعتی، محمد قاید، مانی حقیقی و سعید عقیقی، عباس مخبر و... از جمله کسانی هستند که در این فضای مجازی طرفداران بسیاری دارند.

پشتکار

پشتکار یکی از ویژگی‌های کاربران مجازی است. این را می‌توان هم در حالت مثبت و هم در شکل منفی آن دید. هنگامی که داور کشتی سعید عدولی او را به‌ناحق از دریافت مدال طلا محروم کرد، صفحه شخصی آن داور و همچنین فدراسیون جهانی کشتی موردحمله قرار گرفت. این اتفاق برای مجری مراسم قرعه‌کشی جام‌جهانی که لباسی مشغوری داشت، شکل دیگری به خود گرفت. وقتی هم که «لیونل مسسی» از نشانختن ایران سخن گفت، آنچنان با خاک یکسان شد که پیران هنر همچون «شیاشی» به میان آمدند و قصد کردند با سفر به اسپانیا کمی از دل این بازیکن فوتبال دربیاورند؛ بازیکنی که اتفاق بسیاری از جوانان و کودکان ایرانی او را می‌شناسند و به او علاقه دارند و احتمالا تا پایان عمرش نام ایران را فراموش نخواهد کرد. این اتفاق درباره دروازه‌بان ایرانی جام‌جهانی «علیرضا حقیقی» به شکلی ناامیدکننده‌ای هم رخ داد؛ به‌گونه‌ای که او پس از دریافت سگ‌دل از بوسنی با حجم زیاد واکنش‌های منفی روبه‌رو شد و همین سبب شد تا او تا مدت‌ها گفت‌وگو نکند. این اتفاق درحالی بود که در روزهای اول حضور در جام‌جهانی به‌شدت موردتوجه قرار گرفته بود.

خشونت

بازیگران ایرانی مانند بهرام رادان، حامد بهداد و... در توئیتر حساب شخصی دارند و هرچندوقت یک‌بار فارغ از جمله‌های متداول، واکنشی نیز به اطراف نشان می‌دهند. اوج این اتفاق در زمان همان جنگ غزه بود که هرکدامشان به‌گونه‌ای عکس یا متنی را منتشر کرده بودند. اما در همین نزدیکی‌ها واکنش‌های ناراحت‌کننده به «هانیه توسلی» روی داد. او که دلیلی برای تسلیت‌گفتن برای مرگ «مرتضی پاشایی» ندانشت، با هجوم طرفداران این خواننده جوان روبه‌رو شد و در کمال تعجب حتی برادر این خواننده نیز به او واکنش تندی نشان داد. همین رویکرد مخاطبان سبب شد تا او از فضای اینستاگرام خود کوچ کند و به فضایی دیگر برود. سوءاستفاده دیگر فروش شماره‌تلفن بازیگران و ستاره‌ها از طریق همین فضا‌های مجازی به طرفداران یا مبالغ زیاد است.